مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و دوم، شمارهٔ پیاپی ۸۵/۱،
پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص۶۶-۴۹

کاووشی در نماز شب پیامبر اکرم «صلّی الله علیه وآله»*

دکتر سیدجواد خاتمی[۱]
دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر سیدرضا موسوی
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: mosavi-r@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

این مقاله به حکم نماز شب بر پیامبر اکرم (صلّی الله علیه وآله) می پردازد. با توجه به آیـات قـرآن و روایـات وارده از طریق شیعه و اهل سنت و نیز گفتار مفسران و فقهای شیعه و اهل سنت دربارهٔ نماز شب رسول خدا(صلّی الله علیه وآله) سه فرض را به این شرح می توان بیان کرد:

فرض اول: نماز شب از ابتدا بر پیامبر (صلّی الله علیه وآله) مستحب بوده و برای آن چهار دلیل ذکر شده که ضعیف است.

فرض دوم: نماز شب در آغاز بر پیامبر (صلّی الله علیه وآله) و یارانش واجب بوده است و بعد وجوب آن نسخ گردیـده و بـه حالت استحباب باقی مانده است. برای این فرض نیز چهار دلیل بیان شده است که از قوت کافی برخوردار نیست.

فرض سوم: از ابتدا بر آن حضرت واجب شده است و تا آخر وجوب آن باقی مانده است که مشروح دلایل این نظـر را بایـد در متن مقاله جستجو کرد.

کلید واژه‌ها : تهجد، وجوب، استحباب، نافله، نسخ.

---

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۰۱/۱۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۱۰/۲۳.
۱ . نویسنده مسؤل.

مقدمه

اهمیت شب و حرکت الهی و سیر معنوی در آن ، بر هیچ عاشق دل خسته ای که نـدای معبـود را بـه گوش جان می شنود پوشیده نیست. شب برای اهل دل روشنی خاصی دارد و چه بسیار از برکت‌های الهی که در شب نازل شده است .

خداوند پیامبرش را شبانگاه به معراج می برد(سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْـجِدِ الْحَـرَامِ إِلَـی الْمَسْجِدِ الأَقْصَی.. » (اسراء / ۱).

کلمة «لیل» (شب) و مشتقات آن مثل «لیلاً، لیال، لیالی و...) حدود نود بار در قرآن کریم آمـده اسـت که بیانگر اهمیت شب در قرآن است.

هیچ سالک الی الله به ملاقات او نایل نشده است جز از طریق تجلیّاتی که در شب کسب نموده است.

امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرماید : « ان الوصـول الـی الله عزوجـل سـفرٌ لا یُـدْرکُ الا بامتطاء اللیل » (مجلسی ، ۳۷۹/۷۸) «رسیدن به خداوند عزوجل سفری است که به آن نایل نمی شود جز با پیمودن راه در شب.»

خداوند به تمجید انسان های شب زنده دار پرداخته و می فرماید : « کَانُوا قَلِیلًا مِّنَ اللَّیْلِ مَـا یَهْجَعُـونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ» (ذاریات /۱۸-۱۷): « آنان کمی از شب را می خوابیدند و سحرگاهان اسـتغفار می کردند .» و « الصَّابِرِینَ وَالصَّادِقِینَ وَالْقَانِتِینَ وَالْمُنفِقِینَ وَالْمُسْتَغْفِرِینَ بِالأَسْحَارِ» (آل عمران/۱۷): «همان ها که در برابر مشکلات و در مسیر اطاعت و ترک گناه استقامت می ورزند ، راستگو هستند (و در برابـر خدا) خضوع و (در راه او) انفاق می کنند و در سحرگاهان استغفار می نمایند .

وقتی سایر پیامبران و انسان های صالح و بیدار دل و اولیاء الله چنین هستند ، قطعا بزرگ رهبـر بشـر که سید و سرور و کامل ترین آن هاست بیش از آنان از عبادت و تهجد شبانه بهره مند بوده اسـت و بلکـه خداوندی که او را بیش از همه مورد عنایت خود قرار داده است ، این امر را به او توصیه نموده تـا هـم از اجر و پاداش بیشتری برخوردار باشد و نیزدر جهت سیر الی الله بتواند به عالی ترین مرحلة کمـال برسـد، چرا که لازمة رسیدن به چنین کمالاتی و لازمة تحمل سختی ها و تحمل وحی و *قـرآن* و برخـورداری از عالی ترین توانایی در جهت تلاش برای هدایت انسان ها ، آن است که بخشی از شب و به خصوص سحرگاهان را به تهجد و قرائت *قرآن* و نماز ونیایش با معبود خویش بپردازد.

قرآن در ادامة آیات اول سورة مزمل به مطالب بالا اشاره می فرماید :

« انا سَنُلْقی عَلَیْکَ قَوْلاً ثقیلاً ، اِنَّ ناشِئَهَ اللیلِ هِیَ اَشَدُّ وَطْاً و اَقْوَمُ قـیلاً ، اِنَّ لـک َفِـی النّهـارِ سَـبْحاً طَویلاً» (مزمل/۱۰-۵).

نماز شب را برپا دار و *قرآن* بخوان ، چراکه ما به زودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد . بی تردید نماز و عبادت شبانه پابرجا تر و با استقامت تر است و تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت.

هدف از شب زنده داری را قرآن چنین بیان می کند که ما به زودی سخنی سنگین را به تو القا خواهیم کرد. منظور از « قول ثقیل » به گفتة مفسران ، *قرآن مجید* است (طباطبائی،۶۲/۲۰) .

بنابراین از آیات فوق به دست می آید که عنصر زمان در عبادت مؤثر است و شب بهترین زمان برای عبادت و بهترین وسیله برای پیدا کردن آمادگی روحی لازم برای پذیرش مسئولیت سنگین رسالت و تحقق اهداف آن است.

در جای دیگر می فرماید: « وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ » (اسراء/ ۷۹): " قسمتی از شب را از خواب برخیز و قرآن (و نماز) بخوان این یک وظیفة اضافی برای توست" . بعد نتیجة آن را بیان می کند و می فرماید : « عسی انْ یبعثکَ ربُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً»(اسراء/۷۹):« امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش بر انگیزد ».

« مقام محمود » چنانکه از لفظش پیداست معنای وسیعی دارد که شامل هر مقام در خور ستایش می شود ولی مسلماً در این جا اشاره به مقام ممتاز و فوق العاده ای است. مفسران بر این باورند که این مقام همان شفاعت کبرای پیامبر است (طوسی ،بی تا : ۵۱۲/۶؛ کاشانی ،۶۳/۴ ؛ زحیلی ،۱۴۶/۱۵؛ بحرانی ، ۵۷۰/۳).

با توجه به مطالب فوق اهمیت نماز شب برای پیامبر (صلّی الله علیه وآله) روشن می شود و این اهمیت تا به آنجا زیاد است که برای آن حضرت به عنوان تکلیف در نظر گرفته شده است.

دیدگاه های موجود در مورد نماز شب پیامبر اکرم(صلّی الله علیه وآله) :

با مطالعه و بررسی آیات *قرآن* و احادیث وارده به این نتیجه می رسیم که در مورد نماز شب پیامبر اکرم(صلّی الله علیه وآله) سه قول وجود دارد:

الف) عده ای معتقدند نماز شب بر آن حضرت مستحب بوده است، به دلیل آن که آیة قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ **(۱)** قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا **(۲)** نِصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا **(۳)** أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)» «مزمل/۴-۱»: " ای جامه به خود پیچیده ، شب را جز کمی بپا خیز یا نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن ، یا برنصف آن بیافزا ، و قرآن را با دقت و تامّل بخوان."

توضیح آیه :

« مراد از قیام در لیل ، قیام در شب برای نماز است. بنابراین کلمة «لیل» مفعولٌ فیه است که مجازاً مفعولٌ به و برای نماز به کار رفته ، مثل این که می گویند : « دخلت الدار» داخل شدم خانه را که حقیقتش «دخلت فی الدّار » است. بعضی گفته اند : معمول «قم» در تقدیر است و کلمه «لیل» به خاطر ظرفیّت منصوب شده و تقدیر کلام « قُمْ الی الصلاة فی الیل » است ، و جمله « الّا قلیلا» استثناء از کلمه «لیل» است(طباطبائی،۶۰/۲۰).

دلایل آنان عبارت است از:

۱- اگر واجب بود آن حضرت در مقدار آن مخیر نمی شد (طوسی ، ۱۶۱/۱۰ – جبائی ، ۶/۲۰).

بطلان این دلیل روشن است زیرا یکی از انواع واجب، واجب تخییری می باشد و خداوند پیامبر (صلّی الله علیه وآله) را در مقدار زمان خواندن نماز شب مخیر قرار داده است.

۲- اگر برآن حضرت واجب بوده باید بر امت هم واجب باشد به دلیل «فَاتَّبِعُوهُ» (اعراف /۱۵۸) زیرا در آیه چیزی که دلالت بر نسخ باشد وجود ندارد و نسخ هم خلاف اصل است. بنابراین باید گفت از همان اول مستحب مؤکد بوده است (رازی،۶۸۲/۱۰ – مخزن العرفان، ۱۶۰/۱۴) .

این دلیل نیز خالی از اشکال نیست، زیرا ما تکالیف زیادی داریم که مخصوص پیامبر (صلّی الله علیه وآله) است و بر امت او واجب نشده است و این گونه نیست که متابعت در هر موردی لازم باشد. بلی در موردی که در تکلیفی تردید داشته باشیم که مختص آن حضرت است یا مشترک، آن جا اصل اشتراک جاری می شود.

۳-ظاهر امر مفید ندب است ، زیرا ما وقتی اوامر خداوند متعال را بررسی می کنیم ، می بینیم گاهی مفید ندب است و گاهی مفید وجوب . بنابراین به خاطر دفع اشتراک و مجاز ، قدر مشترک است بین ندب و وجوب و این نیست جز ترجیح دادن جانب فعل برجانب ترک و اما جواز ترک به مقتضای اصل ثابت است.

حال که رجحان آن به مقتضای امر و جواز ترک به مقتضای اصل ثابت شد ، این همان ندب است که ادعای ماست (رازی،۶۸۲/۱۰) .

در مورد این دلیل هم باید گفت آنچه در بین اصولین غالب است آن است که اگر قرینه ای در کار نباشد، امر ظهور در وجوب دارد نه قدر مشترک یا ندب.

۴- در آیة « وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً »(اسراء /۷۹) نیز همان گفتار فوق می آید . علاوه بر آن که کلمة «نافله» در آیه بیانگر عمل مستحبی است نه واجب .

در مورد این دلیل هم با توجه به مطالب آینده روشن می شود که آیة مذکور بیانگر وجوب نماز شب بر پیامبر اکرم(صلّی الله علیه وآله) است و کلمه «نافله» به معنای زیادی است نه استحباب.

۵- نقل شده است که جمهور اهل سنت معتقدند نماز شب برآن حضرت مستحب است (رعینی ،۴/۵)

.

در پاسخ به این دلیل هم خواهیم گفت که همین ادعا در مورد واجب بودن نماز شب هم شده است.

ب)برخی می گویند نماز شب در آغاز بر پیامبر (صلّی الله علیه وآله) واجب بوده است و بعد وجوب آن نسخ شده است و برآن حضرت نیز مانند دیگران مستحب می باشد.

دلایل آنان:

۱- اینکه در آغاز واجب بوده به دلیل آیات اول سوره مزمل که به آن حضرت امر شده به برپا داشتن نماز شب (قم اللیل......).

آیات فوق به گفته بسیاری از مفسران دستور برپا داشتن نماز شب را به پیامبر داده است و پیامبر به همراه عده ای از صحابه بخشی از شب را به قرائت *قرآن* و خواندن نماز می گذراندند.

آن گونه که از برخی روایات استفاده می شود جمعی از مسلمانان در نگهداشتن حساب یک سوم و نصف و دو سوم شب جهت اقامه نماز شب گرفتار اشکال و درد سر می شدند (چرا که وسیله سنجش زمان در آن زمان وجود نداشت). به همین جهت احتیاط می کردند و این امر سبب شد که تمام شب را بیدار بمانند و مشغول عبادت باشند تا آن جا که پاهای آنان به خاطر نماز شب ورم کرد، از این جهت آیة بیستم همین سوره نازل شد (مکارم ، ۱۹۲/۲۵- میبدی ،۶۵/۱۰) که بخشی از آن عبارت است از :« إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِن ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ...» (مزمل/۲۰).

" پروردگارت می داند که تو و گروهی از آنان که با تو هستند نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا یک سوم آن را به پا می خیزند ، خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند ، او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را به دقت اندازه گیری کنید (برای عبادت کردن) پس شما را بخشید ، اکنون آنچه برای شما میسر است ، *قرآن* بخوانید."

« فتاب علیکم» را بیشتر مفسران به معنای تخفیف این تکلیف ذکر کرده اند. نه به معنای «توبه از گناه» (مکارم ،۱۹۳/۲۵) .

از سعید بن جبیر روایت شده که وقتی آیة «یا ایها المزّمّل ...» نازل شد رسول خدا « صلّی الله علیه وآله» مدت ده سال شب ها را به قیام و عبادت گذراند. طایفه ای از اصحابش نیز از او پیروی کردند.

خداوند متعال بعد از ده سال آیه «اِنَّ رَبَّکَ یَعلَمُ اَنَّکَ تَقومُ.... » را نازل کرد وتخفیفی به کار آنان داد (طباطبائی، ۷۱/۲۰) .

علامهٔ طباطبایی پس از نقل روایت فوق می فرماید: روایت شده که آیهٔ تخفیف بعد از یک سال و در بعضی روایات بعد از هشت ماه نازل شد و قیام در شب برای غیر رسول خدا « صلّی الله علیه وآله » واجب نبوده است (طباطبایی ،۷۱/۲۰) .

در مورد این دلیل بد نیست به گفتار علامه طباطبایی در ذیل آیات فوق اشاره کنیم . وی می‌فرماید:

مقصود از این که فرمود: به همین جهت بر شما توبه کرد این است که به رحمت الهیه اش به طرف شما توجه و رجوع کرد و تکلیف شما را در این باب تخفیف داد ، بنابراین ، خداوند متعال بر بندگان خود توبه و رجوعی دارد و آن این است که رحمت خود را بر آنان گسترش دهد و اثر این توبه از طرف خداوند آن است که بندگان، موفق به توبه و رجوع به او شوند و یا آن است که موفق به هر اطاعتی گردند و یا آن است که بعضی از تکالیف دشوار را به کلی بردارد و یا در آن تخفیف بدهد، که *قرآن کریم* دربارهٔ اولین اثری که برای توبهٔ خدا شمردیم فرموده : « ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُواْ» (توبه/ ۱۱۸).

سپس خداوند رحمتش را شامل آنان نمود تا توبه کنند.

افزون بر آن توبه ، خداوند توبهٔ دیگری هم دارد و آن بعد از توبهٔ بندگان است و اثرش این است که توبهٔ آنان را قبول نموده است و گناهانشان را می آمرزد.

و مقصود از این که فرمود: « پس از *قرآن* هرچه برایتان میسر و ممکن است، بخوانید.» آن است که در وظیفهٔ شب زنده داری و مقدار آن برای عموم تخفیف دهد ، و اگر حرف «فاء» را بر سر جمله آورد و فرمود: «فاقرؤوا» برای آن بود که بفهماند این تخفیف نتیجهٔ علم خدا به مشکل بودن آن اندازه گیری ها برای مکلفان است و لازمهٔ آن تخفیف ، توسعه یافتن تکلیف برای عموم مکلفان و برخورداری همه از نعمت شب زنده داری است ، هر کس به مقدار توانش، نه این که خواسته باشد حکم یک سوم و نصف و کمتر از دو سوم را حتی برای آن فردی که قدرت اندازه گیری آن را دارد ، نسخ کند و بفرماید از این به بعد این عمل حرام و بدعت است ، برای آن که گفتیم این عمل برای غالب مردم دشوار است نه برای همه ، و اگر برای همه غیر ممکن بود و حتی یک نفر هم قادر به انجام آن نبود ، از اول تشریع نمی شد ، چون خداوند متعال هیچ فردی را به کاری که در توانش نیست ، تکلیف نمی کند : « لا یُکلّف الله نَفساً الّا وُسْعَها»(بقره /۲۸۶) « خداوند هیچ کسی را جز به اندازهٔ توانایی اش تکلیف نمی کند.»

علاوه بر آن ، در آیهٔ شریفه خداوند پیغمبر و طایفه ای از مؤمنان را تصدیق کرده که یک سوم و یا نصف و یا کمتر از دو سوم را شب زنده داری می کردند و می توانستند این اندازه ها را رعایت کنند و

میسر نبودن آن را به جمیع مردم نسبت داده و معلوم است که جمیع مردم عبارتند از آنان که این کار را می کردند و آن هایی که نمی کردند.

پس حکم شب زنده داری بر مجموع آنان از جهت مجموع بودن مشکل است، نه مشکل برتک تک همهٔ مسلمانان و چون چنین است تکلیف را طوری تخفیف داد که هم اصل تکلیف برای افرادی که قادر بر اندازه گیری هستند، بماند و هم آسان تر آن برای همه میسر شود و فرمود: « فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ » (مزمل/۲۰) « اکنون آنچه برای شما میسر است *قرآن* بخوانید .» و حکم شب زنده داری چه حداکثرش یعنی یک سوم و دوسوم و نصف و چه حداقلش یعنی خواندن مقدار ممکن از *قرآن* برای عموم مؤمنان مستحب است.

علامه پس از آن می فرماید : « و ان کان ظاهر ما للنبی «صلی الله علیه و آله» من الخطاب الوجوب کما تقدمت الاشاره الیه» (طباطبایی ،۷۶/۲۰) . اگرچه ظاهر خطاب به پیامبر در اول سوره آن است که نماز شب برای آن حضرت واجب بوده ، چنان که قبلاً هم به آن اشاره شد.

بنابراین از نظر علامه آیهٔ بیستم سورهٔ مزمل حکم شب زنده داری مفاد آیات اول سوره را نسخ نمی کند، بلکه تخفیف می دهد و همچنین بیانگر این مطلب است که نماز شب بر پیامبر واجب بوده است و برفرض آن که بگوییم آیهٔ بیستم ناسخ آیات اول سوره است، این نسخ در مورد نماز شب نسبت به سایر مؤمنان است، نه نسبت به پیامبر «صلی الله علیه و آله».

آیت الله مکارم نیز در تفسیر خود می فرماید : « ... و نتیجه این می شود که در آغاز اسلام به خاطر وجود شرایطی این تلاوت و عبادت شبانه واجب بوده و بعد ، هم از نظر مقدار و هم از نظر حکم تخفیف داده شد و به صورت یک حکم استحبابی آن هم به مقدار میسور درآمده است، ولی به هر حال وجوب نماز شب بر پیامبر اسلام تا آخر عمر ثابت ماند (به قرینه سایر آیات وروایات) (مکارم ، ۱۹۶/۲۵).

۲- سعدبن هشام بن عامر می گوید از عایشه سوال کردم که از نماز شب پیامبر (صلّی الله علیه وآله) مرا خبر ده. او گفت: آیا نخوانده ای «یا ایها المزمل»؟ گفتم: چرا. گفت : خداوند عزوجل نماز شب را در آغاز این سوره واجب کرد، پس پیامبر (صلّی الله علیه وآله) و کسانی که با او بودند، یک سال آن را به جا آوردند تا آن که در آخر این سوره خداوند به آنان تخفیف داد. پس نماز شب بعد از آن که واجب شد ، مستحب گردید (ابی الخطاب ،۱۸۳- طبرسی ،۵۶۹/۱۰) .

حدیثی که از عایشه نقل شده است در آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت. عایشه (در همین روایت) در هنگام بیان کیفیت نماز شب بر پیامبر (صلّی الله علیه وآله) در ادامه می گوید: پیامبر(صلّی الله علیه وآله) تا رکعت هشتم نماز شب را بدون تشهد می خواند و سلام می داد. بعد دو رکعت نشسته می خواند و

بدین ترتیب یازده رکعت می گردید (ابی الخطاب ،۱۸۲) و این با احادیثی که از طریق اهـل سـنت رسـیده است (مثل حدیث عبدالله بن عمر) و بر صحت آن اتفاق دارند ، تعارض دارد که در آنهـا بـر دو رکعـت دو رکعت خواندن نماز شب تکیه شده است ، روی همین جهت افرادی مانند مالک و لیث بن سعد و شافعی و احمدبن حنبل و ابن ابی لیلی و ابویوسف قاضی ، و محمدبن حسن و ابوثور و داوود به آن عمل نکرده اند و با استناد به حدیث عبدالله بن عمر ، گفته اند نماز شب دو رکعت ، دو رکعت می باشد (همان) .

احادیثی از عایشه روایت شده که می گوید پیامبر(صلّی الله علیه وآله) فقط در رکعت یـازدهم سـلام می داد و در برخی می گوید پیامبر (صـلّی الله علیـه وآلـه) دو رکعـت ، دو رکعـت سـلام مـی‌داد(همـان ص۱۸۳).

بنابراین، احادیث وارده از طریق عایشه در این مورد مضطرب و دارای اختلاف اسـت و قابـل اسـتناد نیست.

علاوه آن که در زمان واجب شدن نماز شب هنوز عایشه در خانه پیامبر(صلّی الله علیه وآلـه) نبـوده است که اطلاع دقیقی از آن داشته باشد.

۳- شیخ طوسی (طوسی ،۱۵۲/۴) و علامه حلی (حلـی ،۳۹۷/۳) و شـافعی (مقریـزی ،۲۶/۱۱۳) و برخی دیگر (نووی ، ۱۴۲/۱۶ – وابن ملقن ، ص ۹۰) معتقدند: با نازل شدن آیة «قم اللیل...» نمـاز شـب برآن حضرت واجب شد و این وجوب ادامه داشت تا هنگـامی کـه آیـه « وَمِـنَ اللَّيْـلِ فَتَهَجَّـدْ بِـهِ نَافِلَـةً لَك»(اسراء /۷۹) نازل شد و با نزول این آیه وجوب آن نسخ شد و تبدیل به استحباب گردید چراکـه نفـل به معنای استحباب می باشد.

مناوی گفته است صحیح تر آن است که در ابتدا نماز شب برآن حضرت واجب بود و بعد نسخ گردیـد (مناوی ، ۲۸۰/۲).

در مورد این دلیل چنان که بعداً هم بیان می کنیم، در آیة مذکور ، معنای اصلی کلمة نافله ، زیاده می-باشد و برهمین معنا هم بسیاری از مفسران و فقها اشاره کرده اند و آن را ملاک قرار داده اند.

ملا فتح الله کاشانی در تفسیر خود پس از آن که اقوال مختلف را در مورد نماز شب پیامبر (صلّی الله علیه وآله) بیان می کند، می فرماید: «صحیح ترین گفته آن است که نماز شب بـر پیـامبر (صـلّی الله علیـه وآله) واجب بود و هرگز حکم آن نسخ نگردید و کلمة نافله در آیه (اسراء ۷۹) به معنای واجب اسـت کـه زیاده بر سایر واجبات یومیه است و اما در حق امتش واجب بـودن آن نسـخ شـد و اسـتحباب آن بـاقی ماند»(کاشانی ،۲۲۲/۷).

۴- حدیثی از عایشه نقل شده که وی گفت: پیامبر (صلّی الله علیه وآله) به نماز ایستاد تا آن که پاهایش متورم شد ، پس به آن حضرت گفتم : ای رسول خدا ! شما چنین می کنی (این قدر نماز می خوانی) در حالی که خداوند گناه گذشته و آینده تو را آمرزیده ! فرمود: ای عایشه ! آیا بندة شاکر و سپاسگزار نباشم؟(بیهقی ، ۳۹/۷).

می گویند از این حدیث بر می آید که نماز شب بر آن حضرت واجب نبوده است.

در مورد این دلیل می توان گفت بیان پیامبر اکرم (صلّی الله علیه وآله) اشاره به گوشه ای از فلسفة نماز است و این که عبادت خداوند بر انسان لازم است و از آن استحباب آن فهمیده نمی شود ؛ علاوه بر آن چنان که ذکر شد، از عایشه روایاتی رسیده که بر طبق آن پیامبر اکرم (صلّی الله علیه وآله) اشاره به وجوب نماز شب برخود می فرمایند.

ج) کسانی که می گویند نماز شب از ابتدا بر پیامبر (صلّی الله علیه وآله) واجب بوده است و وجوب آن تا آخر عمر آن حضرت باقی مانده است، دلایلی دارند که عبارت است از:

۱- « يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (۱) قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲) نِصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳) أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)» *«مزمل/ ۴-۱»*

" ای جامه به خود پیچیده ، شب را جز کمی بپا خیز یا نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن ، یا برنصف آن بیافزا ، و قرآن را با دقت و تامّل بخوان."

اما دلیل واجب بودن آن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن خداوند متعال است در ابتدای سوره « قم اللیل»، زیرا امر ظهور در وجوب دارد و نمی توان حکم کرد که این آیه دلالت بر وجوب آن بر امت هم دارد زیرا ظاهر آن شامل امت نمی شود، چرا که آیه خطاب به پیامبر « صلّی الله علیه وآله » صادر شده و دلیلی بر این که امت هم در این حکم قرار دارند وجود ندارد، زیرا به حسب معنا خطاب در آیه ظهوری درعمومیت ندارد.

اما آیة بیستم که می فرماید : « وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ...» این جمله دلالت نمی کند که آن عده از صحابه در اصل خطاب گنجانده شده بودند و وجوب شامل حال آنان می شده است، بلکه آنچه به دست می آید، آن است که نماز شب نسبت به آنان رجحان داشته و عملی مستحبی تلقی می شده و این از خود جمله « و طائفه من الذین معک ...» به دست می آید .

اما ذکر عذر برای آنان بعد از ضمیمه شدن کلمه « طائفه» به جمله «لن تحصوه» و بعد از آن که به صیغة جمع آمده است ، دلالت می کند بر تخفیف در زمان ، نه اصل حکم. بنابراین، در مورد پیامبر که حکم نماز شب برآن حضرت واجب بود، مقدار وقت آن تخفیف پیدا کرده است و اصل وجوب باقی ماند.

و در مورد صحابه که حکم نماز شب آنان مستحب بوده است اصل استحباب باقی مانـده اسـت. فقـط در موارد وقت تخفیف حاصل شده است. بنابراین آیه ظهوری در وجوب نماز شب بر امت ندارد تا لازم باشد مسالهٔ نسخ را راجع به آنان مطرح کنیم. چنان که از بیان علامه طباطبایی نیز این امر به دست می آید.

۲- دومین آیه در مورد نماز شب پیامبر (صلی الله علیه و آلـه) عبارت است از :

« وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء /۷۹) . " پاسی از شـب را (از خواب برخیز و *قرآن* و نماز) بخوان این یک وظیفهٔ اضافی برای توست. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد".

بیان چند مطلب :

۱- تهجد از مادّهٔ « هجود» گرفته شده و هجود به معنای خواب است، ولی هنگامی که ایـن مـاده بـه باب تفعل می رود معنای آن از بین بردن خواب و انتقال به حالت بیداری است.

ضمیر «به» در کلمه « فتهجد بـــه» به *قرآن* برمی گردد، یعنی قسمتی از شب را بیدار باش و *قـــرآن* بخوان ، ولی این کلمه بعداً در زبان اهل شرع به معنای نماز شب به کار رفته است و متهجد بـه کسـی مـی گویند که نماز شب می خواند (طبرسی ،۶۶۸/۶ و ۶۷۰ ؛ طباطبائی ، ۱۷۵/۱۳).

فخر رازی می گوید : « فتهجد به » ای بالقرآن و المراد منه الصلاه المشتملـه علـی القـرآن » ضـمیر «به » به قرآن بر می گردد و مقصود از آن نماز مشتمل بر قرآن است (رازی ،۳۸/۷).

۲- کلمهٔ « من اللیل » باید دارای متعلقی باشد و حرف «فاء» در کلمه « فتهجد» که لازم است دارای معطـوف علیه باشد تقدیر آن چنین می شود : « قم من اللیل » یعنی در بعضی از شـب بـه پـا خیـز و بـه قرائـــت قرآن بپرداز؛ یعنی نماز مشتمل بر قرآن به جا بیاور (همان).

۳- کلمهٔ « نافله» در « نافله لک» در لغت به معنای زیاده می آید (طباطبائی،۱۷۵/۱۳). چنانکـه در آیهٔ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الأَنفَالِ...» (انفال /۱) به معنای زیاده می آید .

۴- آنچه از آیهٔ فوق در مورد نماز شب پیامبر(صلّی الله علیه وآله) به دست می آید :

الف- برخی گفته اند طبق آیهٔ فوق نماز شب بر پیامبر (صلّی الله علیه وآله) واجب بوده است.

ب- برخی گفته انـــد در ابتدا نماز شب بر آن حضرت واجب بوده است و به وسیلهٔ این آیـه وجـوب آن نسخ شده است، زیرا نافله یعنی آنچه مستحب است.

ج- برخی گفته اند کلمهٔ نافله بیانگر زیادی درجات آن حضرت است؛ یعنی نماز شب بـرای پیـامبر «صلّی الله علیه وآله » باعث زیادی درجات است و برای دیگران کفـاره است، چرا که دیگران گناهکارند

و نماز شب باعث محو گناهانشان می شود، اما پیامبر اکرم (صلّی الله علیه وآله) که گناهی نـدارد از ایـن جهت نماز شب باعث زیادی درجات آن حضرت است .

د- برخی گفته اند معنای « نافله لک» اختصاصی به پیامبر (صلّی الله علیه وآله) نـدارد، بلکـه نمـاز شب هم فضیلت برای پیامبر(صلّی الله علیه وآله) است و هم برای امّت. و درست است که آیه خطاب بـه پیامبر (صلّی الله علیه وآله) است، اما دیگـــران را هم شامـــل می شود، زیرا لازم است ســایر مسـلمانان هم به آن حضرت تاءسی و اقتدا نمایند (طبرسی، ۶۷۱/۶) .

۳- « وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ » (طور/۴۹) .

"(همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشـت کـردن سـتارگان (و طلـوع صـبح)". بسیاری از مفسران جملهٔ « و من اللیل فسبحه » را به نماز شب تفسیر کرده اند . « و ادبار النجـــوم» را به دو رکعت نافله صبح که در آغاز طلوع فجر و به هنگام پنهان شدن ستارگان در نـور صـبح انجـام مـی شود (طبرسی ،۲۵۷/۹ ؛ طباطبایی،۲۴/۱۹) طبرسی روایتی هم بر تأیید مطلب فوق از قـول امـام بـاقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل کرده است (طبرسی ،۲۵۷/۹).

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است در مورد سخن خداوند متعـال « وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ» قال : «امره ان یصلـــی باللیل» خداوند پیامبرش «صلّی الله علیه وآله » را امر کرد که در شب (نماز شب) بخواند (مجلسی ،۱۵۹/۸۷)

با توجه به این که در آیة فوق برای خواندن نماز شب از صیغهٔ «امر» استفاده شده است و صیغـــــة امر ظـــهور در« وجوب » دارد و همچنین با توجه به آیات قبلـــی که بیان شد و نیز احادیث وارده می توان گفت: از این آیه هم استفاده می شود که نماز شب بر پیامبر « صلّی الله علیه وآله » واجب بوده است.

۴- (وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا...) (دهر/۲۶) "در شبانگاه برای او سجده کن و مقداری طولانی از شب او را تسبیح گوی".

قال الرضا علیه السلام فی ذیل آیه « و سبحـــــه لیلـــا طـویلا ...» فـان صـلاه اللیـل (هـویزی ، ۴۴۹/۵). حضرت رضا (علیه السلام) در ذیل آیة « و سبّحه لیلـــا طویلا ... » فرمود : همانا نماز شب (منظور) است ، این آیه مانند آیة قبل از آن ، با توجه به این که از صیغـــة امر استفاده شد . و طبق حدیث شریف مقصـــود از آن نماز شب می باشد و با توجه به این که امر ظهور در وجوب دارد و نیز با توجه به سایر آیات و احادیث دلالت بر وجوب نماز شب پیامبر (صلّی الله علیه وآله) می نماید .

۲- روایات

در متون روایی، روایاتی وارد شده است که بیانگر وجوب نماز شب بر آن حضرت است.

١-٢: محمد بن احمد بن یحیی عن الحسن بن علی بن عبد الله عن ابن فضال عن مروان عن عمار الساباطی قال:

کنا جلوساً عند ابی عبد الله علیه السلام بمنی. فقال له رجل : ما تقول فی النوافل ؟ فقال فریضه .قال ففزعنا و فزع الرجل .فقال ابو عبد الله علیه السلام : انما اعنی صلاه اللیل علی رسول الله(صلّی الله علیه وآله) ان الله عزوجل یقول : وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّکَ(طوسی ٢٤٣/٢).

محمد بن احمد بن یحیی از حسن بن علی بن عبدالله از ابن فضال از مروان از عمار ساباطی روایت کرده که گفت : در نزد امام صادق علیه السلام در منا نشسته بودیم ، مردی به آن حضرت گفت : در مورد نوافل چه می گویی؟ امام علیه السلام فرمود : واجب است ، پس ما ترسیدیم و آن مرد هم ترسید . امام صادق علیه السلام فرمود: منظورم آن است که بر پیامبر « صلّی الله علیه وآله » واجب شده است . خداوند عزوجل می فرماید : " وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّکَ برخی از شب را به قرائت قرآن (نماز شب) بپرداز این یک وظیفة اضافی برای تو است ".

٢-٢- ابن بابویه ، قال : حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الولید « رضی الله عنه» قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار ، عن احمد بن محمد بن عیسی ، عن علی بن الحکم ، عن عثمان بن عبدالملک ، عن ابی بکر قال : قالی لی ابوجعفر علیه السلام: اتدری لای شیء وضع التطوع؟ قلت لا ادری جعلت فداک .قال «انه تطوع لکم و نافله للانبیاء ، او تدری لم وضع التطوع ، قلت : لا ادری جعلت فداک .قال : « لانه ان کان فی الفریضه نقص صبت النافله علی الفریضه حتی تتم ، ان الله عز و جل یقول لنبیه (صلّی الله علیه وآله) : وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّکَ » (بحرانی ،٥٧/٣).

ابن بابویه (شیخ صدوق) گفت: حدیث کرد برای ما محمد بن حسن بن احمد بن ولید (که خداوند از او خشنود باد) که گفت: حدیث کرد برای ما محمد بن حسن صفار از احمد بن محمد بن عیسی از علی بن حکم از عثمان بن عبدالملک از ابی بکر که او گفت: امام باقر علیه‌السلام فرمود : آیا می دانی برای چه چیزی عمل مستحبی (از طرف شارع) قانون گذاری شده است گفتم : نمی دانم فدایت شوم فرمود: (البته) آن برای شما مستحب است ولی برای انبیاء زیادی است (واجب اضافی است) . آیا می دانی چرا عمل مستحبی قانونگذاری شده است ؟ گفتم: فدایت شوم. نمی دانم. فرمود: زیرا اگر در واجب نقصی باشد از نافله به آن اضافه می شود تا تمام شود . (اما اینکه بر پیامبران واجب بود) خداوند عزوجل به پیامبرش می فرماید : « وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّکَ » .

البته ممکن است از روایت اخیر به گونه‌ای دیگر هم برداشت کرد که برای پیامبر اضافه درجات است و از آنجا که واژة « تطوع » بر عملی گفته می شود که انجام آن بر انسان لازم نباشد و امام فرمودند: برای شما و انبیاء هر دو مستحب است و فقط در این جهت فرق دارد که در مورد شما باعث جبران و تکمیل واجبتان می شود و در مورد انبیاء باعث اضافه شدن درجاتشان می گردد؛ ولی به ملاحظة حدیث اول و دلایل دیگر می توان گفت: مقصود از نفل ، واجبی است علاوه بر سایر واجبات .

۳-۲- عن ابی جعفر (علیه السلام) قال:" کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یصلّی من اللیل ثلاث عشرة رکعة منها الوتر و رکعتا الفجر فی السفر و الحضر" (کلینی،۴۴۶/۳).

امام باقر علیه السلام فرمودند : رسول خدا صلّی الله علیه وآله چه در وطن و چه در مسافرت هر شب سیزده رکعت نماز می خواند که نماز وتر و دو رکعت نافله فجر هم جزء آن سیزده رکعت بود.

۴-۲- همچنین از طریق اهل سنت از موسی بن عبد الرحمان صنعانی از هشام بن عروه از پدرش از عایشه روایت شده که رسول خدا (صلّی الله علیه وآله) فرمود :« ثلاث هن علی فرض و هن لکم سنه : الوتر و السواک و قیام اللیل » (مقریزی،۲۵/۱۳).

یعنی: "سه چیز است که بر من واجب است و بر شما مستحب : نماز وتر ، مسواک زدن و نماز شب".

۳- گفتار فقها

الف- بسیاری از فقهای شیعه قائل به وجوب نماز شب بر رسول خدا(ص) می باشند که بعضی از آنها عبارتند از:

۱- علامة حلی (حلی ، ۵۶۵/۲).

۲- محقق حلی (حلی،۴۹۷/۲)

۳- علامة مجلسی (مجلسی ،۳۸۱/۱۶)

۴- فاضل هندی(فاضل هندی ، ۱۰/۲)

۵- محقق کرکی (کرکی،۵۳/۱۲)

۶- شیخ بهائی (بهائی، ۲۸۸/۲)

۷- محقق بحرانی (بحرانی،۹۴/۲۳)

۸- آیت الله خویی (خوئی،۳۶۷/۵)

۹- سید عبدالاعلی سبزواری (سبزواری، ۳۱/۲۴)

۱۰- شیخ محمدعلی انصاری (انصاری، ۳۵۹/۱)

۱۱- سید محمد صادق صدر (صدر،۸۱/۶)

ب- فقهای اهل سنت:عده‌ای از فقها اهل سنت نیز قائل به وجوب نماز شب به رسول خدا(ص) می‌باشند. بعضی از آنها عبارتند از:

۱- محیی الدین نووی (نووی ، ۳۳۴/۵ و ۱۴۲/۱۶)

۲- آمدی (از علمای قرن هفتم، سال وفات ۶۳۱) (آمدی،۲۶۰/۲)

۳- رعینی از علمای قرن دهم (رعینی،۴/۵)

۴- بهوتی (بهوتی،۲۴/۵)

با توجه به مطالب یاد شده می توان گفت: نظریة اول (واجب نبودن نماز شب بر پیامبر « صلّی الله علیه وآله») بر بقیه برتری دارد، به چند دلیل:

۱- کلمة « تهجد» در آیة اول و نیز کلمة سبّحه در آیة دوم و سوم امر است و امر (در صورت نبودن قرینه) بر طبق نظر اکثر فقها ظهور در وجوب دارد.

ممکن است گفته شود آیة شریفة "و من اللیل فتهجد" اختصاصی به پیامبر اکرم « صلّی الله علیه وآله » ندارد، بلکه شامل همة مسلمانان می شود و این که آیه خطاب به آن حضرت است، دلالت نمی‌کند بر اختصاص داشتن آیه به آن حضرت. چنان که بسیاری از آیات این چنین است مانند آیة حجاب که خطاب به زنان پیامبر « صلّی الله علیه وآله » صادر شده است. ولی فقها فتوا به عمومیت آن داده اند. بنابراین آنچه به دلیل خارجی ثابت نشده باشد که اختصاص به پیامبر اکرم « صلّی الله علیه وآله » دارد ، عام است و شامل همه افراد می شود و قرینة خطاب آن را به پیامبر اکرم« صلّی الله علیه وآله » اختصاص نمی دهد . و برای آن که امر در آیة « فتهجد» شامل همة مسلمانان شود، باید حمل بر استحباب نماز شب شود، زیرا ما یقین داریم که نماز شب بر سایر مسلمانان واجب نیست. بنابراین نماز شب، هم برآن حضرت و هم برسایر مسلمانان مستحب است. در پاسخ می گوییم اگر ما در آیة فوق بیشتر دقت کنیم، می بینیم اگر امر «تهجّد» را حمل بر وجوب کنیم، باید بگوییم نماز شب مختص پیامبر اکرم « صلّی الله علیه وآله » است و اگر اختصاص آیه را به پیامبر « صلّی الله علیه وآله » لغو کنیم، باید بگوییم امر مذکور دلالت بر استحباب دارد نه وجوب . در نتیجه بین این دو قرینه تعارض به وجود می آید . یکی وجوب و یکی عموم .در این صورت باید از عموم دست برداریم و حمل بر وجوب کنیم، زیرا برای حمل بر « وجوب» دو قرینه هست: یکی ظهور صیغه امر و یکی ظهور در اختصاص خطاب به پیامبر « صلّی الله علیه وآله ». و برای (حمل بر استحباب و) استفادة عموم فقط یک قرینه هست و آن لغو اختصاص و خصوصیّت است و این زمانی است که قرینه ای بر عدم آن نباشد (صدر،۸۳/۶).

۲- کلمة «تهجد» عطف است بر آیة قبل از آن که عبارت است از : « أَقِمِ الصَّلاَةَ لِدُلُوکِ الشَّمْسِ إِلَی غَسَقِ اللَّیْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ...» " نماز را از زوال خورشید « هنگام ظهر» تا نهایت تاریکی شب «نیمه شب» برپا دار و همچنین *قرآن* فجر (= نماز صبح) را" . و امر در آن آیه اقتضای وجوب می‌کند و توافق سیاق دو امر حاکی از آن است که این جا هم برای وجوب است (گنابادی، ۳۲۳/۸) .

۳- کلمة « نافله» در لغت در اصل به معنای « زیادی» است و اگر بگوییم نماز شب برپیامبر مستحب است، آوردن آن در آیه لغو است (رازی،۳۸۷/۷).

۴- کلمة « لک » در آیه مفید اختصاص است و معنای اختصاص نماز شب به پیامبر « صلّی الله علیه وآله» اختصاص وجوب آن است ، زیرا استحباب آن مشترک بین رسول خدا « صلّی الله علیه وآله » و سایر مسلمانان می باشد (گنابادی،۳۲۳/۸- ابن حجر، ۲/۳- نووی، ۱۴۲/۱۶).

۵- تأیید مطالب فوق (وجوب) توسط برخی روایات .

۶- بسیاری از مفسران کلمة « نافله » را به معنای « زیاده » معنا کرده اند و تعداد زیادی از آنان تصریح کرده اند که آیه فوق بیانگر وجوب نماز شب بر پیامبر است.

فخر رازی هنگام تفسیر آیة فوق و بیان اقوال می گوید : آنان که گفته اند نماز شب بر پیامبر «صلّی الله علیه وآله» واجب بوده است، گفته اند: معنای زیادی بودن آن برای آن حضرت به صورت اختصاصی آن است که نماز شب واجب است بر تو علاوه بر نمازهای پنج گانه و بدان وسیله اختصاص یافتن از بین امت خود . بعد می گوید : « و یمکن نصرة هذا القول بان قوله فتهجد ، امر و صیغه الامر للوجوب ، فوجب کون هذا التهجد واجبا ، فلو حملنا قوله : « نافله لک» علی عدم الوجوب لزم التعارض هو خلاف الاصل فوجب ان یکون معنی کونها نافله لک ما ذکرناه ، من کون وجوبها زائداً علی وجوب الصلوات الخمس. (رازی ،۳۸۷/۷): ممکن است کمک کردن این قول به این که «فتهجد» در سخن خداوند متعال امر است و صیغة امر برای وجوب است.

پس باید تهجد پیامبر « صلّی الله علیه وآله » واجب باشد . و اگر ما « نافله» را برغیر واجب حمل کنیم (که قول سوم بود) لازمة آن وجود تعارض است که آن هم خلاف اصل است. پس لازم است که مقصود از زیاد بودن نماز شب برای پیامبر « صلّی الله علیه وآله » آن چیزی باشد که ما گفتیم؛ یعنی وجوب آن اضافه و زیادی است بر وجوب نمازهای پنج گانه (نه زیادی درجات آن گونه که قول سوم بود)

طبرسی در *مجمع البیان* و علامه طباطبایی در *المیـزان* و ناصـر مکـارم در *تفسـیر نمونـه* و ... همـین نظریـــه را (نافله به معنای زیادی است و مقصود وجوب نماز شب بر پیامبر است اضافه بر سایر واجبات) برگزیده اند(طبرسی ،۶۷۱/۶- طباطبائی ،۱۷۵/۱۳- مکارم ،۲۲۴/۱۲) .

۷- گفتار بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت که تعدادی بیان شد.

نتیجه

با توجه به آراء سه گانه ای که دربارهٔ نماز شب پیامبر (صلّی الله علیـه وآلـه) وجـود دارد و بررسـی مستندات آنها به این نتیجه می رسیم که مستندات نظریه اول کـه معتقـد بـود نمـاز شـب بـر آن حضـرت مستحب است اتقان و استحکام کافی ندارد. همچنین برای نظر دوم که معتقد بود نمـاز شـب در آغـاز بـر پیامبر واجب بود و پس از مدتی وجوب آن نسخ شد مستندات کافی ارائه نشده اسـت و مسـتندات ارائـه شده مورد نقد قرار گرفته است در نتیجه نظر سوم که می گفت از آغاز نماز شب بـر پیـامبر واجـب بـوده است و بر همان وجوب باقی مانده است نظریهٔ متقن و قابل دفاع است که مستندات آن در مقاله بیان شـده است.

منابع

قرآن کریم.

ابن ملقن، عمر بن علي، *غاية الرسول في خصايص الرسول*، تحقيق عبدالله بحربن الدين عبدالله، بي تا.

ابي الخطاب ، ابن دحيه ، *نهاية السول في خصايص الرسول* ، دارالشبائر للطباعه و النشر والتوزيع ، الطبعة الاولـي ، ۱۴۲۰.

انصاري ، شيخ محمد علي ، *الموسوعه الفقهية الميسرة* ، قم ، مجمع الفكر الاسلامي، ۱۴۱۵ق.

بحراني ، سيد هاشم ، *البرهان في التفسير القرآن* ، تهران ، موسسة البعثة ، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

بحراني، يوسف، *الحدائق الناظرة*، تحقيق محمد تقي ايرواني، قم، جماعة المدرسين، الطبعة الاولي،۱۴۰۹ق.

بهائي، محمد بن حسين، *جامع عباسي*، تهران، انتشارات فراهاني، بي تا.

بهوتي، منصور بن يوسف،*كشاف القناع*، دارالكتب العلميه، بيروت، الطبعه الاولي، ۱۴۱۸ق.

بيهقي ، احمد بن حسين ، *السنن الكبري* ، بيروت ، دارالفكر، ۱۴۰۶ق.

حلي، حسن‌بن‌يوسف، *تحريرالاحكام*، تحقيق ابراهيم بهادري، مؤسسه الامام الصادق، الطبعه الاولي، ۱۴۲۰ق.

ـــــــــــ ، *تذكرة الفقهاء* ، مكتبة الرضوية لاحياء الاثارالجعفريه، بي تا.

حلي(محقق)، جعفر بن حسن، *شرايع الاسلام*، تحقيق سيد صادق شيرازي، تهران، انتشارات استقلال، الطبعه الثانيـه، ۱۴۰۹ق.

خويي، ابوالقاسم ، *كتاب الطهاره* ، قم ، دارالهادي ، الطبعة الثالثه، ۱۴۱۰ق.

رازي ، فخر الدين ، *مفتاح الغيب (التفسيرالكبير)* ، بيروت ، دارالحياء التراث العربي ، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

رعيني ، الخطاب ، *مواهب الجليل* ، بيروت ، دارالكتب العلميه ، الطبعة الاولي، ۱۴۱۶ق.

زحيلي ، وهبه ، *تفسيرالمنير*، بيروت، دارالفكر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

سيوری، مقداد،*كنزالعرفان*، تهران، انتشارات مرتضوي، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

سـبزواری، عبـدالاعلي، *مهـذب الاحكـام*، تحقيـق مؤسسـه المنـار، مكتبـه آيـت الله السـيد السـبزواري، چـاپ چهارم،۱۴۱۳ق.

صادقي تهراني ، محمد ، *الفرقان في تفسير القرآن*، قم ، انتشارات فرهنگي اسلامي ، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

صدر ، محمد صادق ، *ماوراء الفقه* ، تحقيق و تصحيح ، جعفر هادي الدجيلي ، بيروت، دارالاضواء و النشر و التوزيع ، الطبعة الاولي، ۱۴۲۰ق.

طباطبايي ، محمد حسين ، *الميزان في تفسير القرآن*، موسسه اسماعيليان ، الطبعه الثالثه، ۱۳۹۳ق.

طبرسي، فضل‌بن‌حسن، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات،الطبعه الاولي، ۱۴۱۵ق.

طوسي ، محمد بن حسن ، *المبسوط* ، المكتبه المرتضويه، ۱۳۸۷ .

ــــــــــــ ، *التبيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.

ــــــــــــ ، *تهذيب الاحكام*، تحقيق سيد حسن خراساني، دارالكتب الاسلاميه، الطبعه الرابعه، ۱۳۶۵.

عسقلاني، ابن حجر، *فتح الباري في شرح صحيح البخاري*، بيروت، دارالمعرفه، الطبعه الثانيه، بي تا.

فاضل هندي، بهاء الدين محمد بن حسن ، *كشف اللثام* ، قم ، مكتبه آيت الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۵ق.

فضل‌الله ، سيد محمد حسين ، *من وحي القرآن* ، بيروت ، دارالملاك ، للطباعه والنشر ، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.

قمي مشهدي، محمد،*كنزالدقائق و بحر الغرائب*، تهران، مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول،۱۳۶۶.

كاشاني، محمد بن مرتضي ، المعين (تفسير)، قم ، مكتبه آيه الله المرعشي النجفي، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

كاشاني ، ملا فتح الله ، *زبدة التفاسير* ، قم ، مؤسسه المعارف الاسلاميه ، چاپ اول، ۱۴۲۳.

كاظمي ، جواد ، *مسالك الافهام* ، مؤسسه المعارف الاسلاميه ، الطبعه الاولي، ۱۴۱۳ق.

كليني ، محمد بن يعقوب ، *اصول كافي*، دارالكتب الاسلاميه، الطبعه الثالثه، ۱۳۶۷ق.

مجلسي ، محمد باقر ، *بحارالانوار* ، بيروت ، مؤسسه الوفا ، الطبعه الثانيه، ۱۴۲۰ق.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، *تفسير شيخ مفيد*، مؤسسه بوستان كتاب، ۱۴۲۴ق.

مقريزي، احمد، *امتاع الاسماع*، بيروت، دارالكتب العلميه، الطبعه الاولي، ۱۴۲۰ق.

مكارم، ناصر، *تفسير نمونه*، تهران، دارالكتاب الاسلاميه، چاپ چهارم،۱۳۶۳ق.

مناوي، محمد، *فيض القدير (شرح الجامع الصغير)*، تحقيق، احمد عبدالسلام، بيروت، دارالكتب العلميه، الطبعه الاولي، ۱۴۱۵ق.

ميبدي، ابوالفضل، *كشف الاسرار*، انتشارات اميركبير، چاپ اول، ۱۳۶۳.

نووي، يحيي بن شرف، *المجموع في شرح المهذب*، دارالفكر، بي تا.

ــــــــــ ، روضة الطالبين، بيروت، دارالكتب العلمية، بي تا.

هويزي، عبدعلي، *نورالثقلين*، قم، مؤسسه اسماعيليان، الطبعة الرابعه،۱۴۱۵ق.